

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد
۰۳ می ۲۰۱۳

جنایتی دیگر در بنگله دیش

ساختمان چندین هزاره نفره استنمار و ناامن سرمایه در بنگله دیش، فرو ریخت و جان صدها کارگر را گرفت. همین چند ماه قبل بود که بیش از ۱۰۰ تن از کارگران تولیدی پوشاک این کشور در آتش سوختند و دنیا، این بار شاهد رخداد و فاجعه دردناک دیگری، و آن هم در ساختمان ۸ طبقه، در تاریخ ۲۴ اپریل ۲۰۱۳ بوده است. سرمایه‌داران بیش از ۳ هزار کارگر را در محیط ترک برداشته جای دادند و علی‌رغم تأکیدات مکرر، مبنی بر ناامن بودن ساختمان، بر تداوم کار، آنان اصرار داشتند.

روشن است و دلیل آن کاملاً به نیروی کار ارزان در کشورهایی همچون بنگله دیش بر می‌گردد و سرمایه‌داران و صاحبان تولیدی جوامع "متمدن" و مدافع "انسانیت"، حاضر، به از دست دادن چنین میادین سوددهی نیستند. با این اوصاف نیازی به استانداردهای ساختمانی و کاری نیست؛ نیازی به آن نیست تا جان کارگر را تضمین نمود؛ نیازی به آن نیست تا دم و دستگاه‌ها و محیط کار را برای کارگران فراهم و آسان نمود تا آنان بدون دغدغه جانی، چرخش دستگاه‌های سودآور سرمایه را به حرکت در آورند. کسی و دولت‌ها هم مسئولیت چنین فجایع دردناکی را بر عهده نمی‌گیرند و فقط و فقط، کار و بارشان، استنمار و سرکوب خواسته‌های پایه‌ی کارگران و زحمت‌کشان است. به عنوان نمونه سرکوب صدها تن از مردم بنگله دیش توسط حافظان بقای سرمایه، که بعد از حوادث دردناک مجتمع پوشاک، به خیابان‌ها سرازیر شده‌اند و خواهان بستن کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی ناامن شده‌اند را، نگاهی بیندازیم، تا آسان‌تر بر اهداف و ماهیت دولت سرکوبگر و وابسته بنگله دیش آشنا شویم. پولیس سرمایه با سلاح‌های متفاوت به جان معترضان افتاده است و بر زخم‌های کرخت شده و داغ‌دیده فاجعه مجتمع «رنا پلازا» بنگله دیش افزود.

البته که چنین رخدادهای غم‌انگیز، و سرکوب اعتراضات کارگری – توده‌ی در مناسبات کنونی پایانی نیست، و جهان و به ویژه کشورهایی همچون بنگله دیش، در آینده، شاهد آتش‌سوزی و ریزش ساختمان‌های تولیدی غیر استاندارد، بر سر کودکان، زنان و مردان کارگر خواهد بود؛ شاهد خواهد بود که چگونه سرمایه‌داران به یاری حافظان مسلح و بقای سرمایه‌های امپریالیستی، کارگران را وادار به کارهای طاقت‌فرسا و ناامن خواهند نمود؛ شاهد خواهد بود که چگونه کارگر مجبور است در ازای دست‌مزد ناچیز، نیروی کارش را به فروش برساند و بدون

آینده‌ای روشن بر زندگی محنت‌بار خویش تداوم بخشد. در حقیقت وظیفه دولت‌هائی همچون دولت بنگله دیش، مساعد نمودن میادین استثمار به‌منظور زراندوزی هر چه بیش‌تر صاحبان تولیدی‌ست و وظیفه‌ای جز، لگدمال نمودن خواسته‌های ابتدائی کارگران بر عهده ندارند. در حقیقت استثمار و سرکوب، جزء ذاتی این نظام‌هاست و در این رابطه، فرهنگ، ایدئولوژی و رنگ و پوست نمی‌شناسد و از رفتار و کردار واحدی پیروی می‌نماید. همه‌جا استثمار می‌کند و همه‌جا به جان کارگر معترض می‌افتد. به این دلیل که بنیة نظام‌های طبقاتی با استثمار کارگران و زحمت‌کشان ریخته شده است. بنابراین درخواست تأمین حقوق و جان کارگران، در زیر سایه نظام‌های کنونی بیهوده است؛ چرا که خود اینان بانی چنین وضعیت‌اند و همچنین با وجود چنین دولت‌هائی، هیچ جامعه‌ای و به ویژه کارگران و زحمت‌کشان بنگله دیش، از بروز چنین فجایع دل‌خراشی خلاصی نخواهند یافت.

به عبارتی دیگر ملاک و عیار اصلی دولت‌مردان وابسته، افزایش تولید و به‌کارگیری هر چه بیش‌تر نیروی کار ارزان است؛ ملاک و سیاست‌شان، بر دوام کار طاقت‌فرسا و آن‌هم در محیط‌های ناامن کارگری‌ست و بالطبع کارگران «رعنا بنگله دیش» تک نمونه در این دنیای ناامن، و در این دنیای سراسر استثمار و چپاول نبوده و نیستند. این نظام‌ها زاده شده‌اند تا حقوق کارگران را بالا بکشند؛ زاده شده‌اند تا هرگونه اعتراض به‌حق، و ابتدائی میلیون‌ها توده محروم را قلع و قمع نمایند؛ زاده شده‌اند تا کارگران، در ازای دست‌مزد بسیار ناچیز، تن به ساعات کار بیش‌تر دهند. این چهره واقعی و کریه سرمایه‌داران است و تا آن‌جائی‌که در توان دارند بر تعرض خویش به کارگران خواهند افزود؛ تا آن‌جائی‌که در توان دارند، بر سرعت ماشین استثمار خواهند افزود تا انبان‌های خود را پُرتر نمایند. قانون سرمایه، قانون بی‌حقوقی برای کارگران است و بدون کمترین شک و شبهه‌ای مخالفان چنین قوانین ظالمانه‌ای، از تعرض ارگان‌های سرکوب‌گر دولتی در امان نخواهند بود.

بنابراین تنها راه رهائی از رخدادهائی همچون فجایع «رعنا بنگله دیش»، در نابودی نظام‌های سرمایه‌داری‌ست. حیات لحظه‌ای این نظام‌ها، مترادف با بی‌حقوقی کارگران و زحمت‌کشان است، و تا زمانی‌که سیاست‌های صاحبان تولیدی و کارفرمایان زالوصفت، در محیط‌های کارگری حاکم می‌باشد، اوضاع کاری و معیشتی کارگران بهبود نخواهد یافت. چاره کار در زیر و رو نمودن نظام‌های امپریالیستی و برقراری حاکمیت کارگران و زحمت‌کشان می‌باشد. تنها در چنین شرایطی‌ست که استانداردهای کاری بالا خواهد رفت و جامعه، بیش از این شاهد استثمار و ناامنی محیط‌های کاری نخواهد بود.

۲۹ اپریل ۲۰۱۳

۱۰ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۲